



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در امر سابع بود ، شیخ انصاری (ره) فرمودند : « السابع : لو كان التالف المبيع فاسداً قيمياً فقد حُكِيَ الإِتِّفَاقُ عَلَى كونه مضموناً بالقيمة » و قبلاً عرض کردیم که اولاً مقبوض به بیع فاسد حکم غصب را دارد و هر حکمی که بر غصب مترتب شود ( مثل ضمان ) بر آن نیز مترتب می شود و ثانیاً گفتیم که اگر محور و مدار مالیت و ارزش ، هویت شخصی باشد مثل حیوانات این می شود قیمی اما اگر محور و مدار مالیت و ارزش ، هویت نوعیه و صنفیه باشد مثل گندم و جو این می شود مثلی که فعلاً بحث ما در قیمی و در اینکه ضمان در قیمیات به قیمت است می باشد .

بحثهای مختلفی در اینجا مطرح شده من جمله اینکه عده ای به آیه « إعتدی » تمسک کرده و گفته اند در بیع فاسد نیز اصل در ضمان مثل است هر چند که قیمی باشد زیرا مثل نسبت به قیمت هویت بالاتری دارد که ما عرض کردیم اینطور نیست بلکه در نظر عرف در مثلی مثل و در قیمی قیمت میزان است .

بحث دیگر این بود که وقتی ضمان در قیمی به قیمت شد ، قیمت چه وقتی میزان است؟ در اینجا اقوال مختلفی در مسئله بوجود آمده که ملخص آنها پنج قول است ؛ اول اینکه قیمت یوم الغصب میزان است ( مختار آیت الله خوئی در مصباح الفقاهة ) ، دوم اینکه قیمت یوم التلف میزان است ، سوم اینکه قیمت یوم الأداء میزان است ،

چهارم اینکه أعلى القیم از یوم الغصب تا یوم التلف میزان است و پنجم اینکه أعلى القیم از یوم الغصب تا یوم الأداء میزان است .

خوب همان طور که قبلاً عرض کردیم ما باید به سراغ مدارک اقوال برویم و آنها را مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم کدامیک صحیح است تا همان را اختیار کنیم لذا به عنوان نمونه ابتدا به کلمات شیخ در خلاف اشاره می کنیم ، شیخ طوسی در ص ۴۱۵ از جلد ۳ خلاف و در مسئله ۳۰ از کتاب الغصب فرموده : « مسألة ۳۰ : إذا غصب ما لا یبقی ، كالفواکه الرطبة - مثل التفاح ، و الكمثری ، و الموز ، و الرطب و نحوها - فتلف فی یده ، و تأخرت المطالبة بقيمته ، فعليه أكثر ما كانت قيمته من حين الغصب الى حين التلف ، و لا یراعی ما وراء ذلك . و به قال الشافعی . و قال أبو یوسف : علیه قيمته یوم الغصب ، فجرى على ذلك القياس فی غیر الأشياء الرطبة . و قال أبو حنیفة: علیه قيمته یوم المحاکمة . و قال محمد : علیه قيمته فی الوقت الذی انقطع عن أیدی الناس .

دلیلنا : ما قلناه فی المسألة الأولى سواء ، فأما بعد التلف قبل المحاکمة فلیس بمأمور برده بعینه ، و إنما هو مأمور برد قیمته ، فلا اعتبار إلا برد قیمته حين توجه الأمر إليه بالرد دون حال المحاکمة » ، همان طور که می بینید مسئله در بین عامه نیز مورد خلاف است و در بین آنها نیز اقوال مختلفی بوجود آمده .

دیروز عرض کردیم که صاحب مفتاح الكرامة در ص ۱۴۶ از جلد ۱۸ مفتاح الكرامة در شرح کلام علامه در قواعد اقوال دیگری را با ذکر صاحبان اقوال و أدله آنها

باشد زیرا يوم المخالفة همان يوم وقوع بیع و يوم الغصب می باشد .

حضرت امام(ره) در تحریر الوسيلة در مسئله ۳۰ از کتاب الغصب فرموده : « مسألة ۳۰ لو تلف المغصوب و كان قيميا كالدواب و الثياب ضمن قيمته ، فان لم يتفاوت قيمته في الزمان الذي غصبه مع قيمته في زمان تلفه فلا إشكال ، و إن تفاوتت بأن كانت قيمته يوم الغصب أزيد من قيمته يوم التلف أو العكس فهل يراعى الأول أو الثاني؟ فيه قولان مشهوران ، و هنا وجه آخر ، و هو مراعاة قيمة يوم الدفع ، و الأحوط التراضي فيما به التفاوت بين يوم الغصب إلى يوم الدفع ، هذا إذا كان تفاوت القيمة من جهة السوق و تفاوت رغبة الناس ، و أما إن كان من جهة زيادة و نقصان في العين كالسمن و الهزال فلا إشكال في أنه يراعى أعلى القيم و أحسن الأحوال ، بل لو فرض أنه لم يتفاوت قيمة زمانى الغصب و التلف من هذه الجهة لكن حصل فيه ارتفاع بين الزمانين ثم زال ضمن ارتفاع قيمته الحاصل في تلك الحال ، مثل ما لو كان الحيوان هازلا حين الغصب ثم سمن ثم عاد إلى الهزل و تلف ، فإنه يضمن قيمته حال سمنه ، » این کلام امام(ره) بود که به عرضتان رسید بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد وآله الطاهرين

ذکر کرده و آنها را مورد بررسی قرار داده و سپس خود ایشان نیز اظهار نظر کرده .

علامه در قواعد دو قول را ذکر کرده و فرموده : « و غیر المثلی یضمن بالقيمة يوم الغصب على رأى و أرفع القيم من حين الغصب إلى حين التلف على رأى » ، اما صاحب مفتاح الكرامة بعد از شرح کلام علامه پنج قول را ذکر کرده ؛ اول اینکه قیمت يوم الغصب میزان است ، دوم اینکه قیمت يوم التلف میزان است ، سوم اینکه قیمت يوم الأداء میزان است ، چهارم اینکه أرفع القيم من حين الغصب إلى يوم التلف میزان است و پنجم اینکه أرفع القيم من حين الغصب إلى يوم الأداء والرد میزان است ، مختصری از کلام صاحب مفتاح الكرامة این است : « أما ضمان القيمي بالقيمة ففي الدروس و غاية المراد والروضة أنه المشهور ... و أمّا أنه یضمن بقيمته يوم الغصب فهو خيرة المقنعة و المراسم و المبسوط و النهاية في موضع منهما و النافع و كشف الرموز و كأنه مال إليه في الإرشاد ، و في الشرائع و التحرير أنه مذهب الأكثر . و وجهه أنه أول وقت دخول العين في ضمان الغاصب ، و الضمان إنما هو لقيمته ، فيضمن به حالة ابتدائه . و ضعفه بأن الحكم بضمان العين بمعنى أنها لو تلفت و جب بدلها و هو القيمة ، لا و جب قيمتها حينئذ ، فإن الواجب ما دامت العين باقية ردّها ، و لا ينتقل إلى القيمة إلّا مع التلف ، فلا يلزم من الحكم بضمانها على هذا الوجه اعتبار ذلك الوقت » .

آیت الله خوئی در مصباح الفقاهة استناداً به صحیحه أبی ولّاد فرموده قیمت يوم الغصب میزان است و محل استشهاد ایشان جمله : « قيمة بغل يوم خالفته » می